

روابط تجاری ایران و انگلیس در دوره رضاشاه پهلوی

۱۲ مهر ۱۴۰۲ ساعت ۱۸:۳۰

انگلیس علاوه بر موضوع نفت که عامل برخی از اختلاف‌نظرها بود، چندین پروژه بزرگ اقتصادی را مطرح و اجرا کرد. بزرگ‌ترین پروژه، تاسیس راه آهن سراسری شمال- جنوب بود.

ایران و انگلیس در دوره پهلوی اول روابط گسترده‌ای داشتند. انگلیس که در دوره قاجار و در رقابت با روسیه به یکی از قدرت‌های برتر در امور داخلی ایران تبدیل شده بود، در این دوره نیز نقش‌آفرینی پررنگی در امور سیاسی و اقتصادی ایران داشت. این کشور یکی از عوامل اصلی کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ بود. علاوه بر این، انگلیس در بسیاری از پروژه‌های اقتصادی ایران مشارکت داشت و توانست روابط تجاری خود را نیز گسترش دهد. البته روابط دو کشور در برخی از دوره‌ها و در رابطه با برخی از مسائل نیز با اختلاف‌نظرهایی همراه بود. با این مقدمه در ادامه به موضوع روابط تجاری ایران و انگلیس در دوره پهلوی اول پرداخته شده است.

روابط ایران و انگلیس در دهه ۱۳۱۰

ایران و انگلیس در دهه اول حکومت رضاشاه روابط بسیار گسترده‌ای داشتند. این رابطه پیش از هر چیزی متأثر از نفت بود. انگلیس که توانسته بود به کشف چاه‌های نفتی ایران برسد و سود سرشاری را از آن خود کند، بارها بر سر موضوع نفت پای مذاکره با ایران نشست. با این حال انگلیس علاوه بر موضوع نفت که عامل برخی از اختلاف‌نظرها بود، چندین پروژه بزرگ اقتصادی را مطرح و اجرا کرد. بزرگ‌ترین پروژه، تاسیس راه آهن سراسری شمال- جنوب بود. این راه آهن که با سروصدای زیادی ساخته و معرفی شد، در واقع بیش از آنکه بتواند عامل منافع اقتصادی برای ایران باشد، سرشار از منافع اقتصادی برای انگلیس بود. فرانسیس وایت، کاردار سفارت آمریکا در گزارشی در این رابطه نوشته است: «انگلستان منافع بسیاری را در ایران دنبال می‌کند و به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران انگلیسی آماده‌اند هر چه سریع‌تر ساخت راه آهن را آغاز کرده است.»^[۱]

علاوه بر این رضاشاه در این دوره تصمیم گرفت تا استقلال گمرکی ایران را نیز به دست آورد. انگلیس بر اساس برخی از امتیازات توانسته بود انحصار گمرک ایران را از آن خود نماید. ظاهراً انگلیس با این موضوع موافقت می‌نماید؛ اما به اشکال دیگر منافع تجاری و اقتصادی خود را دنبال می‌کند. این کشور با تحمیل قرارداد نظارت بر تجارت تسلیحات، تجارت اسلحه در ایران را تحت نظر خود درآورد و از طرفی ایران را از خرید و فروش سلاح منع کرد. علاوه بر این، انگلیس توانست امتیاز کشف آثار باستانی ایران را از آن خود کند و از این طریق نیز منافع مالی زیادی را به دست آورد.

الغای امتیاز نفت داری و اختلاف با انگلستان

روابط تجاری و اقتصادی ایران و انگلیس در دهه دوم حکومت رضاشاه نیز به همان شکل سابق ادامه داشت. این کشور در تراز تجاری دست برتر را داشت و توانست با وارد کردن بسیاری از مواد اولیه مورد نیاز خود به قیمت ارزان، کالاهای نهایی تولید شده را به قیمت چند برابر به ایران بفروشد. جدا از موضوع واردات و صادرات، در این دوره روابط دو کشور در مورد حق السهم ایران از نفت و برخی از مسائل مربوط به آن دچار اختلافاتی شد. البته این اختلافات نیز در نهایت با موافقت رضاشاه و به نفع انگلیس ادامه یافت و نتوانست برتری انگلیس در تراز تجاری با ایران را کاهش دهد.

مهم‌ترین اختلاف ایران و انگلیس در زمینه نفت، در سال ۱۹۳۲ اتفاق افتاد که می‌توان گفت مهم‌ترین موضوع تجاری دو کشور بود. بر این اساس سال ۱۹۳۲ شرکت نفت ایران و انگلیس به دولت ایران اطلاع داد که حق السهم دولت ایران بابت عایدات نفت در سال قبل فقط سیصد و دوهزار لیتر شده است، در حالی که در سال ۱۹۳۰ عایدات ایران از این بابت چهار برابر این مبلغ بود. این تقلیل فاحش مورد اعتراض دولت ایران قرار گرفت و تقاضای رسیدگی کرد ولی چون شرکت نفت زیر بار نرفت رضاشاه در شب ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲ در حضور هیئت وزیران امتیاز نامه داری و پرونده نفت را در آتش بخاری انداخت.^[۲] البته در نهایت رضاشاه به قرارداد ۱۹۳۳ تن داد که طی آن قرارداد ایران و انگلیس تا ۳۰ سال دیگر تمدید شد و امتیاز یا سهم ایران از عایدات نفت ۷۵۰ هزار لیتر به طور سالانه تعیین شد.

مبنای روابط تجاری انگلیس با ایران چه بود؟

انگلیس روابط تجاری با ایران را منافع شخصی خود قرار داده بود. البته این موضوع چیزی عجیبی نیست. اکثر کشورها در روابط تجاری با کشورهای دیگر به دنبال منافع اقتصادی هستند. موضوع قابل تامل در مورد روابط تجاری این کشور با ایران این است که انگلیس همواره مدعی دفاع از منافع ملی ایران بود. به عنوان نمونه در ۲۳ تیر ماه ۱۳۰۴ سفارت انگلیس با ارسال یادداشتی به وزارت امور خارجه ایران اعلام داشت دولت انگلستان در نظر دارد خط هوایی میان مصر و هندوستان (کراچی) از طریق بصره و بنادر خلیج فارس برقرار نماید. لذا با استناد به این که ایجاد وسایل مرادده سریع تا هندوستان و عراق عرب و مصر و اروپا به نفع ایران نیز است تقاضا دارد که دولت ایران اجازه استقرار سرویس مزبور را بدهد. بدین منظور "ژنرال برنکر" رئیس هواپیمایی تجاری انگلیس، مأمور شد تا با مقامات دولت ایران مذاکره کند.^[۳]

خط هوایی مذکور از مرکز ایران نمی‌گذشت و عملاً در راستای منافع استعماری انگلیس در مصر و هند بود. اما انگلیس اصرار داشت که این خط هوایی که قطعاً بخش مهمی از هزینه آن بر ایران تحمیل می‌شد به نفع ایران است. به طور کلی می‌توان گفت سهمین شدن انگلیس در پروژه‌های اقتصادی ایران در این دوره و گسترش روابط تجاری اش تنها به نفع انگلیس بود و نتوانست به تحقق اهداف استعماری این کشور کمک کند.

سخن نهایی

برخی معتقدند که روابط ایران و انگلیس در دوره رضاشاه در بسیاری از زمینه‌ها از جمله در زمینه تجاری- اقتصادی با تغییرات فاحشی مواجه شد و رو به کاهش گذاشت. به گفته این گروه از محققان، رضاشاه نتوانست تسلط انگلیس در امور اقتصادی از جمله

تسلط آنها بر نفت را کاهش دهد؛ اما برخلاف این ادعا، واقعیت آن است که انگلیس در این دوره همچنان یکی از بازیگران فعال سیاسی و اقتصادی بود و با مشارکت در بسیاری از طرح‌های اقتصادی سود سرشاری را نصیب خود ساخت.

[۱] - محمدقلی مجد، رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجم مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۳۷

[۲] - عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران، مؤلف، ۱۳۶۸، ص ۳۷۱

[۳] - ولی بستان، «مداخلات انگلیسی‌ها در بنادر و جزایر خلیج فارس در دوران پهلوی اول با تکیه بر بنادر و جزایر فعلی استان هرمزگان» مجموعه مقالات دهمین همایش ملی علمی - پژوهشی خلیج فارس، (۱۳۹۳)، ص ۲۵۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49341/پهلوی-رضاشاه-دوره-انگلیس-ایران-تجاریه-روابط/>